

نقش ترویج کشاورزی در ارتقاء اخلاق زیست محیطی کشاورزان

دکتر احمد عابدی سروسنانی*^۱ و دکتر منصور شاهولی^۲

۱. گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

۲. بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه شیراز

چکیده

زمینه: کاربرد برخی از فناوری‌های نوین در یک قرن اخیر علاوه بر افزایش تولید محصولات کشاورزی، موجب به خطر افتادن پایداری زیست محیطی نیز شده است. این در حالی است که با تخریب و آلودگی محیط زیست، ضمن تهدید حیات در زمین، ظرفیت تولید غذای کافی و سالم برای جمعیت رو به رشد نیز کاهش خواهد یافت. این تحولات که با تغییر در هنجارها و ارزش های جامعه و همچنین شکل گیری روابط جدید در تبادل محصولات کشاورزی همراه بوده است، ترویج نوعی از اخلاق کاربردی به نام اخلاق زیست محیطی در بین کشاورزان و دست‌اندرکاران بخش کشاورزی را لازم کرده است تا بهتر بتوان به حفاظت از منابع تولید در کشاورزی مانند آب، خاک، دام ها و گیاهان امید داشت.

روش کار: مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با این هدف تهیه شده است که مهمترین دلایل برای پرداختن ترویج کشاورزی به اخلاق زیست محیطی در راستای حفاظت از منابع تولید در کشاورزی را تشریح نماید.

نتیجه گیری: از آنجا که کشاورزی دارای بُعد اخلاقی است، ضرورت دارد تا ترویج کشاورزی برای حفاظت از منابع تولید و اطمینان از مخرب نبودن فعالیت های کشاورزی بر محیط زیست، جایگاه مناسبی به اخلاق زیست محیطی در فعالیت های خود اختصاص دهد. این ضرورت از منظر آموزشی بودن برنامه های ترویج، داوطلبانه بودن تغییر رفتار در ترویج کشاورزی و همچنین تربیت کارکنان مورد نیاز قابل توجیه است. بنابراین، توصیه می شود تا ترویج کشاورزی در راستای تحقق یکی از مهمترین اهداف خود، یعنی حفظ محیط زیست، آموزش اخلاق زیست محیطی به کشاورزان و ارشاد آنان را به صورتی دنبال نماید که آنان بتوانند در کار و حرفه خود، تصمیمات درستی در چگونگی رفتار با منابع تولید بگیرند و تعامل مناسب تری با محیط زیست طبیعی داشته باشند.

کلید واژه ها: اخلاق زیست محیطی، ترویج کشاورزی، محیط زیست.

سراغاز

به طور موثر استفاده کرد، اما تشکیلات ترویج در کشور ما از ابتدا و با هدف کمک به افزایش تولیدات کشاورزی شکل گرفته است (۱). ترویج کشاورزی یک نوع آموزش غیر رسمی است که به روستاییان یاد می دهد تا فنون و روش های کشاورزی خود را بهبود بخشند. به همین دلیل، ترویج کشاورزی سعی دارد تا با استفاده از روش های

ترویج کشاورزی از جمله خدمات آموزشی در توسعه محسوب می شود که با ایفای نقش یک رابط حمایتی بین کشاورزان و مراکز پژوهشی و تحقیقاتی، به آنان کمک می کند تا با یافتن راه حل مسائل و مشکلات، زندگی بهتری برای خود بسازند. از ترویج می توان در برنامه های مختلف مانند توسعه و عمران روستایی نیز

دکتر احمد عابدی سروسنانی: نقش ترویج کشاورزی در ارتقاء اخلاق زیست‌محیطی کشاورزان

یوشاک برای بقاء و همچنین تولید مواد خام مورد نیاز صنایع را با خطر مواجه سازند. کشاورزی در سراسر جهان به نحوی در حال تغییر است که انسان قادر است تا با تلاش کمتر و در یک مساحت مشخص، محصول بیشتری را تولید کند، اما مسأله این است که برخی از روش‌های مورد استفاده به صورتی موجب تخریب منابع تولید در کشاورزی می‌شوند که می‌توان پیش‌بینی کرد که اراضی کشاورزی به سرعت محدودتر خواهند شد (۳). این در حالی است که به دلیل تغییر در هنجارها و ارزش‌های جامعه و همچنین تأثیرات فناوری‌های نوین (مانند زیست‌فناوری) و شکل‌گیری روابط جدید در تبادل محصولات (مانند سازمان تجارت جهانی) نیاز کشاورزی به علم اخلاق دوچندان شده است (۴).

توجه به اخلاق در حفاظت از محیط زیست را می‌توان بیانگر اهمیت بُعد نرم‌افزاری حفاظت در کنار بُعد سخت‌افزاری و فنی آن دانست. شواهد نشان می‌دهند که بیشتر تلاش‌های فنی نتوانسته‌اند به طور موثر در پیشگیری از تخریب و نابودی فزاینده محیط زیست موفق باشند. از این رو، بسیاری بر این باورند که راه‌حل بحران‌های زیست‌محیطی را می‌باید در تغییر رفتار انسان و روش زندگی وی بر زمین جستجو کرد. به این منظور، انسان‌ها می‌باید متقاعد شوند که محیط زیست طبیعی نه فقط به دلیل منافع انسان بلکه، به دلیل ماهیت ذاتی خویش از ارزش برخوردار است و می‌باید مورد احترام قرار گیرد (۵). این رویکرد که در برگیرنده کاربرد اخلاق در چگونگی رفتار درست انسان با طبیعت است، در فعالیت‌های آموزش ترویج نیز مهم است، زیرا اصولاً آموزش، اعم از رسمی و غیر رسمی، نه تنها در ارتقای پایداری محیط زیست و افزایش توان مردم در حل مسائل زیست‌محیطی نقش اساسی دارد بلکه در کسب آگاهی،

مختلف ارتباط با روستاییان و کشاورزان را امکان‌پذیر سازد. این ارتباط از یک ماهیت ارشادی و هدایتی برخوردار است و امید بر این است که مخاطبان ترویج متقاعد شوند رفتارهای نامناسب در تولید محصولات کشاورزی را کنار بگذارند و به صورتی رفتار کنند که با معیارهای پایداری محیط زیست سازگار باشد. از این رو، شناخت تعیین‌کننده‌های رفتار در حوزه‌های شناختی و روانشناختی، از مبانی ترویج کشاورزی محسوب می‌شوند.

باید دانست که بدون هیچ استثناء هر نوع کشاورزی به محیط زیست صدمه می‌رساند (۲) و ترویج کشاورزی برای حفاظت از محیط زیست از شیوه‌های مختلفی بهره می‌گیرد که تغییر در دانش، نگرش^۱ و رفتار افراد را مد نظر دارند. ترویج سعی دارد تا آگاهی روستاییان و کشاورزان هم نسبت به مسائل و مشکلات زیست‌محیطی و هم نسبت به راه‌حل‌های برون رفت از این مسایل به نحوی تغییر یابد که رفتارهای سازگار با پایداری در کشاورزی تضمین شود. در این راستا، باید توجه داشت که علم کشاورزی به ما این دانش را می‌دهد که روابط عواملی مانند آب، خاک و گیاه چگونه است و به چه صورت می‌توان محصول بیشتری تولید کرد، اما این دانش به خودی خود به ما نمی‌آموزد که چرا می‌باید مراقب زمین بود و از محیط زیست محافظت کرد. این وظیفه اخلاق است که مشخص کند ما چگونه باید زندگی کنیم و چرا باید مراقب منابع تولید در کشاورزی باشیم.

حقیقت این است که کشاورزی یکی از قدیمیترین و مشهودترین دستکاری‌های انسان در طبیعت محسوب می‌شود که در شرایط حاضر بیم آن وجود دارد که برخی فعالیت‌های رایج در آن، نه تنها موجب تخریب محیط زیست شوند بلکه توان انسان در تامین غذا و

فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال چهارم، شماره های ۱ و ۲، ۱۳۸۸

طرف و حساس بودن نسبت به مسائل زیست‌محیطی از طرف دیگر محسوب می‌شوند (۸).

در کل می‌توان مطرح کرد که وجود کشاورزانی که از ارتباط بین کشاورزی، سلامت و کیفیت محیط زیست آگاه باشند از ضرورت‌های پایداری زیست‌محیطی محسوب می‌شود و این افراد به احتمال زیاد انتظارات و خواسته‌هایی خواهند داشت که با اصول پایداری زیست‌محیطی سازگارتر است (۱۱). ارتقای آگاهی کشاورزان می‌باید چگونگی رفتار انسان با منابع تولید در کشاورزی و از جمله آب، خاک، گیاهان و حیوانات را به نحوی دربرگیرد که رفتار اخلاقی صحیح در کشاورزی را برای آنان تعریف و تبیین نماید. این تبیین می‌باید برای کشاورزان روشن سازد که انسان تنها موجودی است که به دلیل برخورداری از اختیار و آزادی قادر است تا بر خلاف قوانین و تنظیمات طبیعی رفتار کند و به همین دلیل لازم است تا مهارهای اخلاقی مناسب مانع صدمه رساندن وی به محیط زیست شوند (۱۲). از طرف دیگر، این احتمال نیز وجود دارد که کشاورزان اطلاعات و آگاهی و همچنین توان مالی لازم را داشته باشند، اما در زمینه اخلاق مورد نیاز برای به کار بردن فعالیت‌های سازگار با محیط زیست دچار کمبود باشند (۱۱). به این دلیل، ترویج کشاورزی می‌تواند علاوه بر انتقال اطلاعات فنی، مخاطبان را با مسایل اخلاقی مرتبط با شیوه‌های تولید محصولات زراعی و دامی و چگونگی ارتباط آنها با حفظ محیط زیست آگاه سازد. با تحقق این کار می‌توان به یک نظام تولید کشاورزی پایدار امید بیشتری داشت، زیرا بر خلاف نظام تولید رایج، یکی از نیازمندی‌های چنین نظامی این است که دست‌اندرکاران ترویج کشاورزی به فراسوی

ارزش، نگرش، مهارت و رفتارهای اخلاق زیست‌محیطی نیز موثر است (۶). آموزش اخلاق می‌تواند یک نقش بنیادی و سرنوشت‌ساز در فعالیت‌های مرتبط با پایداری کشاورزی داشته باشد و گنجاندن اخلاق در برنامه‌های آموزشی به این علت مهم است که اخلاق، بخشی از راهبرد اطمینان به پایداری زیست‌محیطی و بهسازی شرایط زندگی انسان به شمار می‌رود (۷). به همین دلیل، نظام‌های ترویج کشاورزی در تمام کشورها با این چالش مواجه‌اند که چگونه و در حالی که محیط پیرامون سرشار از مخاطره‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است، تناسب و اثربخشی خود در پایداری کشاورزی و معیشت روستایی را بهبود بخشند (۸).

برنامه‌های آموزشی ترویج می‌باید به مردم کمک کنند تا هنگام استفاده از منابع محیط زیست، تصمیم‌های درست اتخاذ کنند. آنان باید تصمیم بگیرند که انجام چه کاری درست است و در این میان، معیارهای اخلاقی رفتار درست با طبیعت از مهمترین موضوعات است زیرا یک مبنای فلسفی برای حمایت از تصمیم‌گیری در تمام سطوح را فراهم می‌آورد (۹). همچنین، یکی از اهداف مهم ترویج کشاورزی، آموزش و ارشاد گروه‌های مختلف جامعه برای حفاظت از محیط زیست می‌باشد و سنخیت تنگاتنگی بین آموزش‌های زیست‌محیطی و حیطه عمل برنامه‌های آموزشی ترویج وجود دارد و این ارتباط هم اکنون در نظام‌های پیشرفته ترویج محقق شده است (۱۰) به طوری که، نظام‌های ترویج از موثرترین ابزارها برای تقویت و سازماندهی مجدد ظرفیت‌های اجتماعی و بوم‌شناختی مردم برای درگیر شدن در فعالیت‌های تولیدی و معیشتی از یک

که این میزان برای مناطق روستایی برابر با ۴۶/۵۷ درصد از شاغلان است (۱۴).

اهمیت اخلاق در کشاورزی به حدی است که امروزه و در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، مسائل اخلاقی بر تمام مراحل صنعت کشاورزی سایه انداخته است. برای مثال، با وجود این که در این قبیل کشورها کمتر از دو درصد از جمعیت به تولید محصولات کشاورزی اشتغال دارند، اما به دلیل این که همه مردم این محصولات را مصرف می‌کنند، نسبت به روش های تولید آنها و چگونگی مدیریت زمین های کشاورزی حساس هستند و به موضوعات مرتبط با آن واکنش نشان می‌دهند. نتیجه نیز این شده است که در این کشورها، حوزه‌های مختلف آموزشی و از جمله ترویج کشاورزی، شاهد تلاش برای ادغام جنبه‌های اخلاقی در برنامه‌های خود هستند و دست‌اندرکاران کشاورزی نیز پاسخ‌گویی به پرسش‌های اخلاقی را یک مسؤلیت برای خود می‌دانند (۱۵).

یافته‌ها

مهمترین دلایل پرداختن ترویج کشاورزی به اخلاق زیست‌محیطی از سه جنبه قابل بررسی است.

۱) از جنبه برنامه‌های آموزشی ترویج کشاورزی

یکی از دلایل نیاز به آموزش های اخلاق زیست‌محیطی به تحولاتی بر می‌گردد که در کشاورزی روی داده است به طوری که کار کشاورزی در گذشته یک کار اخلاقی محسوب می‌شد، اما امروزه ضرورتاً چنین فکر نمی‌شود. برخی معتقدند که در گذشته و بر اساس یک قرارداد اجتماعی، کشاورزی به دلیل تامین غذای مردم، نوعی کار اخلاقی و شریف‌ترین تلاش انسان محسوب

اشاعه دانش و مهارت های فنی حرکت کنند تا قادر شوند از عهده چالش‌هایی برآیند که مرتبط با مدیریت منابع طبیعی، حفاظت از محیط زیست و عدالت اجتماعی است (۸).

از طرف دیگر، بسیاری از کشاورزان نیز خواهان افزایش دانش و ارتقای آموزش های زیست‌محیطی خویش هستند و این بسیار محتمل است که آنان در کار و حرفه خود با پرسش های اخلاقی روبرو شوند. برای مثال، ممکن است این پرسش ها، برای یک کشاورز مطرح شوند که "آیا من می‌توانم تا آنجا که محصول افزایش پیدا می‌کند از کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات استفاده کنم؟" آیا این درست که آب های زیر زمینی را برای افزایش تولید محصولات کشاورزی به صورتی استفاده کرد که برای نسل های آینده چیزی باقی نماند؟ "آیا می‌توان مراتع یا اراضی جنگلی را به زیر کشت محصولات زراعی برد در حالی که موجب به خطر افتادن محل زندگی جانوران ساکن در آن و یا موجب کاهش تعداد گونه‌های زیستی می‌شود؟" این پرسش ها، ماهیتاً اخلاقی‌اند و مروجان کشاورزی می‌توانند ضمن کمک به کشاورزان در تشخیص و تفکیک آنها از مسایل مدیریتی یا فناوری، بهترین مشاوره را در هنگام بروز بلاتکلیفی های اخلاقی برای آنان فراهم آورند (۱۳).

اهمیت این پاسخگویی با توجه به تعداد مخاطبان در بخش روستایی و کشاورزی بهتر قابل درک است. برای مثال، از ۲۲۱۳۱۱۰۱، ۱۳۸۵، ۷۰۴۹۵۷۸۲ نفر از جمعیت کل کشور در سال ۳۱/۳۹ درصد در مناطق روستایی زندگی می‌کنند که بالغ بر ۵۰۷۴۸۶۶ خانوار را تشکیل می‌دهند. همچنین ۱۸ درصد شاغلان ۱۰ سال به بالای کشور در بخش کشاورزی مشغول به کار هستند

می‌شد که هیچ تردیدی در آن وجود نداشت. اما، امروزه کشاورزی با پیچیدگی‌های زیادی رو به رو است و دیگر این توافق وجود ندارد که کشاورزی فقط تولید کننده غذا است. همین امر موجب شده است تا پرسش‌های اخلاقی گوناگونی درباره فعالیت‌های کشاورزی مطرح شوند و متخصصان کشاورزی را با مشکلات جدی مواجه سازند. در این شرایط، برخی معتقدند که می‌باید درباره مسائل اخلاقی در کشاورزی به یک قرارداد اجتماعی جدید دست یافت (۱۶). کافی است که نگاهی به اطراف خود بیندازیم تا این موضوع را بهتر درک کنیم. برای مثال، می‌توان به تغییراتی اشاره کرد که در دانشکده‌های کشاورزی، رشته‌های تحصیلی و حوزه‌های تحقیق در کشاورزی قابل مشاهده‌اند و بر دستاوردهای تحقیق و در نهایت بر ترویج آنها تاثیر می‌گذارند. به عنوان نمونه، زیست‌فناوری در کشاورزی از جمله رشته‌های تحصیلی جدید محسوب می‌شود که به دلیل قادر ساختن انسان به دستکاری در مواد وراثتی یا گدھای خلقتِ دام، گیاه و موجودات ذره‌بینی، با خود پرسش‌های اخلاقی بسیاری را به همراه آورده است. این تغییرات بر حوزه ترویج کشاورزی نیز تاثیر گذارند و نیاز است تا متناسب با این تغییرات، آموزش‌های اخلاقی لازم به کشاورزان ارائه شود، زیرا هنگامی می‌توان از کشاورزان انتظار داشت که به صورت اخلاقی رفتار کنند و یا از نظر اجتماعی مسؤولیت پذیر باشند که ضمن آگاهی از اصول اخلاق زیست محیطی، آنها را محترم دارند. این در حالی است که آموزش برای محیط زیست که با ارزش‌ها، رفتارها، گرایش‌ها، فعالیت‌ها و اعمال مثبت سروکار دارد، بازتابی از عنصر اخلاقی است و این عنصر در کنار عناصر تجربی، زیبایی‌شناختی و درک ماهیت

پیچیده و به هم پیوسته محیط زیست، یکی از چهار عنصر اصلی هر برنامه درسی زیست محیطی را تشکیل می‌دهد که در آن بر این موضوع تاکید می‌شود که فراگیران با مسؤولیت و تعهد شخصی در قبال محیط زیست آشنا شوند و دریابند که آیا فعالیت‌های پیشنهادی، در یک چارچوب از ارزش‌های مناسب اخلاقی قرار دارند یا خیر؟ (۶).

۲) از جنبه داوطلبانه بودن تغییر رفتار در ترویج کشاورزی

دلیل دیگر برای ضرورت ارائه آموزش‌های اخلاق زیست محیطی از طرف ترویج کشاورزی، داوطلبانه بودن تغییرات مد نظر این نهاد آموزشی است. این واقعیت موجب می‌شود تا ترویج کشاورزی به منظور اثربخش کردن آموزش‌های زیست محیطی، نیازمند شناخت عواملی باشد که بر تغییر داوطلبانه رفتار تاثیرگذارند. اهمیت این موضوع تا حدی است که یکی از زمینه‌های اساسی پژوهش‌های ترویج، پژوهش پیرامون تعیین‌کننده‌های رفتار در زمینه‌های مختلف است. در این راستا، ترویج از نظریه‌های روانشناختی و تحلیل رفتار استفاده می‌کند و یکی از موضوعات مهم در نظریه‌های رفتاری نیز نگرش است. نگرش، که از آن به عنوان مهمترین تعیین کننده رفتار یاد می‌شود (۱۷)، پیش شرط رفتار است و آن را می‌توان نظام با دوامی از ارزشیابی‌های مثبت یا منفی، احساس‌های عاطفی و تمایل به عمل موافق یا مخالف نسبت به یک موضوع اجتماعی تعریف کرد (۱۸). نظریه‌های روانشناختی بر این تاکید دارند که رفتار انسان تحت تاثیر باورها، نگرش‌ها و ارزش‌ها قرار دارد، به طوری که ارزش‌ها، اخلاق و باورهای فردی، تصمیم و عمل فرد را به شدت مهار می‌کنند (۹).

در ارتباط هستند (۲۲) و هر فرد برای درک حقایق زیست‌محیطی نیاز دارد تا ابتدا ارزش‌های خود و دیگران را درک نماید (۹). از این رو، این نیاز وجود دارد تا در اهداف آموزش‌های زیست‌محیطی ترویج کشاورزی، مباحث اخلاقی نیز گنجانده شود. اهمیت این موضوع تا حدی است که برخی افراد، اصلاح الگوی نظری رفتار تنظیم شده^۲ را با افزودن جزء هنجارهای اخلاقی پیشنهاد می‌دهند. کیزر، معتقد است هنجارهای اخلاقی در نگرش‌های زیست‌محیطی فرد مستتر است و با در نظر گرفتن این جزء، توان توضیح دهندگی این الگو افزایش می‌یابد (۲۳) (شکل ۱). بنابراین، نه تنها پرداختن به ارزش‌های اخلاق زیست‌محیطی می‌باید به منظور تعریف و تشویق رفتار مناسب انسان با طبیعت در حیطه فعالیت‌های ترویجی قرار گیرد و به عنوان یک هدف مهم از طرف این نظام دنبال شود، بلکه می‌باید در پژوهش‌های زیست‌محیطی نیز به عنوان یک عامل موثر در تبیین چگونگی رفتار کشاورزان با محیط زیست مد نظر باشد (۲۴).

۳ از جنبه تربیت کارکنان ترویج کشاورزی

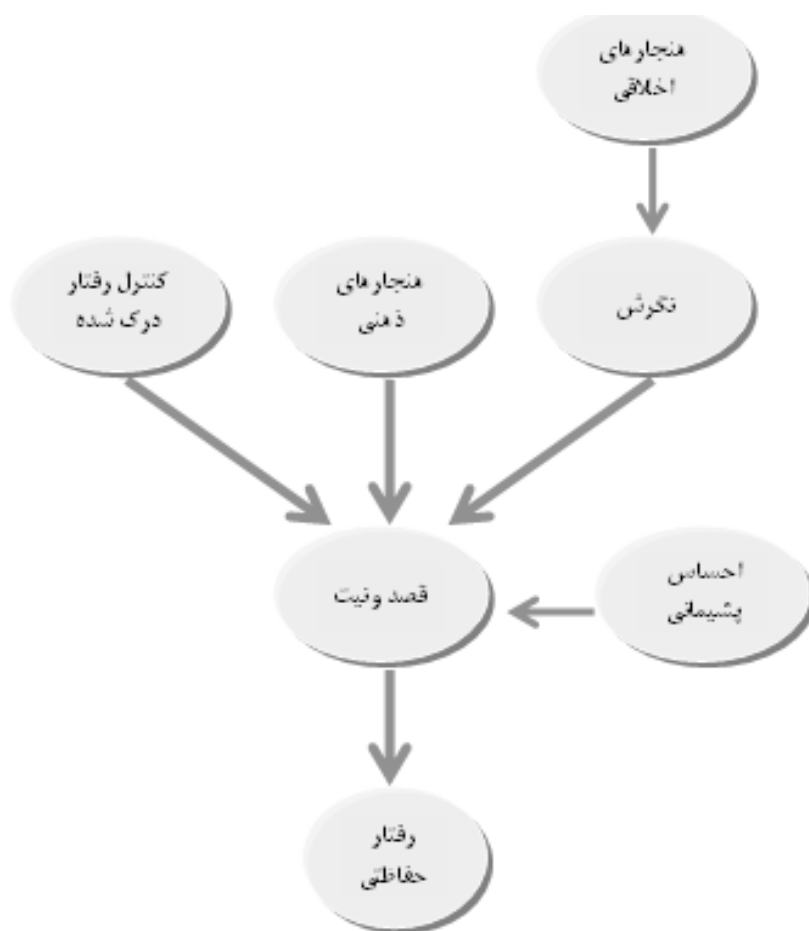
ضرورت توجه ترویج کشاورزی به اخلاق زیست‌محیطی، به طرز تلقی کارکنان این نهاد از کشاورزی نیز باز می‌گردد. کارکنان ترویج معمولاً تصور می‌کنند که کشاورزی به مسائل اخلاقی ارتباط ندارد و این باور در بین آنها رایج است که مشکلات کشاورزی صرفاً اقتصادی هستند نه اخلاقی (۲۵). این موضوع، نشان دهنده یک نارسایی مهم است که باید به آن توجه شود، زیرا همانطور که مطرح شد، کشاورزی بعد اخلاقی نیز دارد که جنبه‌های انسانی، حیوانی، اقتصادی، سیاسی و به ویژه زیست‌محیطی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. برای مثال، استفاده از آفت‌کش‌ها، مبارزه با علف‌های

ارزش‌ها نیز به عنوان تعیین‌کننده‌های بنیادی نگرش‌ها، رفتارها و باورهای خاص، زیربنای دغدغه‌ها و جهان‌بینی زیست‌محیطی هر فرد هستند (۱۹). به همین دلیل، اساساً برنامه‌های تغییر رفتار سعی دارند تا آنچه را که برای ما ارزشمند و یا بی‌ارزش است تغییر دهند (۲۰).

از این رو، نظام ترویج کشاورزی به عنوان یک نظام مداخله‌گر در بخش کشاورزی، با درک این حقیقت و برای تحقق اهداف رفتاری خود، تعبیر عواطف، نگرش‌ها و ارزش‌های افراد را در نظر دارد (۲۱). با توجه به موارد یاد شده، اهمیت طرح مباحث اخلاق زیست‌محیطی در آموزش‌های ترویجی را بهتر می‌توان درک کرد، زیرا مفاهیم اخلاق زیست‌محیطی نیز بر مبانی ارزشی استوارند. در اخلاق زیست‌محیطی، نوع ارزش‌گذاری انسان به طبیعت و اجزای آن و همچنین معیارهای ارزشی در تعیین درست و یا نادرست بودن رفتار نسبت به طبیعت مهم هستند و این موضوعات به روشنی به مباحث نگرشی و هنجاری ارتباط دارند. اگر نگرش، نوعی سوگیری مثبت یا منفی در برابر یک شیء، یک شخص و یا رفتاری خاص تلقی گردد، آنگاه اهمیت تاثیر ارزش‌های فرد و از جمله ارزش‌های اخلاقی در این سوگیری بیشتر روشن می‌شود. این ارزش‌ها می‌توانند هم از طریق بخش شناختی یا ادراکی و هم از طریق بخش احساسی نگرش، تاثیر خود را اعمال کنند. تاثیر بر بخش شناختی، با ارزیابی یک پدیده از نظر خوبی یا بدی و تاثیر بر بخش احساسی، با حس خوشایند و یا ناخوشایند نسبت به یک پدیده یا شیء در ارتباط است. به این ترتیب، ارزش‌های اخلاقی می‌توانند با شکل‌دهی نگرش، تاثیر خود را بر رفتارهای زیست‌محیطی فرد بر جای گذارند. به بیان دیگر، نگرش‌های خاص با رفتارهای خاص

هرز سَمی و استفاده از هورمون ها و یا دستکاری ژنتیکی در پرورش گیاهان و دام، از جمله مسائلی هستند که مستقیماً به اخلاق ارتباط دارند. اما، باید اذعان کرد که متخصصان کشاورزی اهمیت چندانی برای اخلاق در برنامه‌های آموزشی خود قائل نشده‌اند به طوری که، یا اصلاً به مسائل اخلاقی نمی‌پردازند و یا به صورت حاشیه‌ای با آن برخورد می‌کنند. برای مثال، می‌توان به کشور آمریکا اشاره کرد که تا سال ۱۹۹۹ فقط ۱۵ دانشکده کشاورزی در آن کشور به ارائه درس‌هایی در ارتباط با اخلاق در کشاورزی برای دانشجویان اقدام کرده اند (۲۶). این در حالی است که نظام آموزش عالی در کشور ما نیز توجهی به این موضوع نداشته است به طوری که، با مرور دروس مقاطع مختلف تحصیلی دانشگاه‌ها مشخص گردید که تا زمان حاضر، درسی در ارتباط با اخلاق زیست‌محیطی برای دانشجویان رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی ارائه نمی‌شود. از

این رو، این پرسش مطرح است که آیا کارشناسان و مروجان کشاورزی که عمدتاً دانش‌آموخته دانشگاه‌ها می‌باشند، با اصول اخلاق زیست‌محیطی آشنا هستند و آیا آنها را در آموزش‌های خود به کار می‌گیرند؟ سازمان یونسکو نیز با تاکید بر ضرورت آموزش اخلاق، معتقد است که اخلاق می‌باید یک جزء جدا ناشدنی از برنامه‌های آموزش و حرفه‌آموزی تمام متخصصان باشد تا در آنان نگرشی مثبت نسبت به هوشیاری و آگاهی پیرامون تنگناهای اخلاقی به وجود آید که در زندگی حرفه‌ای خود با آن مواجه‌اند (۷). بنابراین، همان‌طور که نظام کشاورزی به نیروی انسانی کارآمد نیاز دارد، نظام ترویج کشاورزی به عنوان یک نظام پشتیبان و حامی بخش روستایی و کشاورزی نیز به مروجانی نیاز دارد که از آگاهی‌های اخلاق زیست‌محیطی کافی برخوردار باشند.



شکل ۱. الگوی بسط یافته "نظریه رفتار تنظیم شده" در بررسی رفتارهای حفاظتی (۲۳).

نتیجه گیری

در کشاورزی می‌تواند یک نقش تعیین کننده در حفاظت از طبیعت و منابع تولید داشته باشد و در این راستا، ترویج اخلاق زیست محیطی در بین کشاورزان یکی از راهبردهای موثر است. با این وجود، هنوز ترویج کشاورزی، تمهیدات مناسبی برای این کار در نظر نگرفته است و نیاز است تا برای گنجاندن اخلاق در برنامه‌های ترویجی، اقدامات لازم انجام پذیرد. این کار از چند نظر قابل توصیه است. اول این که، بسیاری از مسائلی که کشاورزان با آن مواجه‌اند، اخلاقی هستند و آنان برای تصمیم‌گیری در کار و حرفه خود نیاز

لازمه کشاورزی پایدار، توجه به ماهیت و روند تغییرات در محیط زیست طبیعی است. کشاورزی رایج و رفتار کشاورزان با منابع تولید به صورتی درآمده است که نگرانی‌هایی درباره آینده کشاورزی و تامین غذای کافی و سالم را سبب شده است. اگرچه با کمک علم نوین می‌توان تغییرات ایجاد شده در کشاورزی را بررسی کرد و قضاوت نمود که آیا روند این تغییرات مطلوب است یا خیر، اما برای تبیین چرایی و چگونگی تصحیح رفتارهای نادرست در کشاورزی به علم اخلاق نیاز است. به همین دلیل، توجه به اخلاق زیست محیطی

و رسالتی جدید برای آن قابل تعریف نیست؟ و در نهایت این که، آیا ترویج کشاورزی خود را برای پاسخگویی به نیازهای برآمده از اخلاق زیست‌محیطی آماده کرده است؟ در این راستا، پیشنهاد می‌شود تا در اولین قدم، گروهی متشکل از کارشناسان رشته‌های مختلف کشاورزی و متخصصان اخلاق زیست‌محیطی تشکیل شود تا امور مربوط به ساماندهی و پاسخگویی به مسائل و نیازهای آموزشی و ترویجی مرتبط با اخلاق زیست‌محیطی در بخش کشاورزی را پیگیری نماید.

واژه نامه

1. Attitude:

نگرش

2. Theory of Planned Behavior:

نظریه رفتار تنظیم شده

منابع

۱. ایروانی هوشنگ. تاریخچه آموزش و ترویج کشاورزی در ایران. نشر مشهد، ۱۳۷۱.
2. Paarlberg R (2009). The ethics of modern agriculture. *Society* 46 (1): 4-8.
3. Blatz CV (1991). *Ethics and Agriculture: An Anthology on Current Issues in World Context*. University of Idaho Press, Moscow.
4. Apotheke H (2000). Is agriculture in need of ethics? *Journal of Agricultural and Environmental Ethics* 12: 9-16.
5. Abedi-Sarvestani A, Shahvali M (2008). Environmental ethics: Toward an Islamic perspective. *American-Eurasian Journal of Agricultural and Environmental Sciences* 3(4): 609-617.

دارند تا پاسخ این مسائل را بدانند. ترویج کشاورزی می‌تواند با ارائه برنامه‌های آموزشی مناسب، کشاورزان را با مسائل اخلاقی مرتبط با روش‌های تولید محصولات زراعی و دامی و چگونگی تاثیر آنها بر محیط زیست آگاه سازد و آنان را ترغیب کند تا معیارهای اخلاق زیست‌محیطی را محترم شمارند. دوم این که، رفتار کشاورزان تحت تاثیر ارزش‌ها و نگرش‌های آنان قرار دارد. از این رو، برای ارتقاء رفتارهای کشاورزان به صورتی که با محیط زیست سازگار باشد، این نیاز وجود دارد تا ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی آنان مورد توجه قرار گیرد و در برنامه‌های ترویج کشاورزی جایگاه مناسبی به این مباحث اختصاص داده شود. سوم این که، بسیاری از کارکنان ترویج و مروجان کشاورزی از دید اقتصادی صرف به مسائل و مشکلات کشاورزی می‌نگرند. این در حالی است که برخی از این مسائل ماهیتاً اخلاقی‌اند و به همین دلیل نیازمند راه‌حل‌های اخلاقی هستند. از این رو، ضرورت دارد تا فرایند آموزش و تربیت کارکنان ترویج کشاورزی به صورتی متحول گردد که آنان با اخلاق زیست‌محیطی و کاربرد آن در کشاورزی آشنا شوند. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که "چگونگی" تبیین رابطه اخلاقی درست انسان با طبیعت در کشاورزی، یک چالش مهم است که فراروی ترویج کشاورزی قرار دارد و به دلیل گستردگی حوزه‌های مرتبط با مسائل زیست‌محیطی از یک طرف و تنوع مخاطبان ترویج در بخش کشاورزی از طرف دیگر، این چالش می‌تواند بسیار جدی باشد. بنابراین، در این زمان می‌توان این پرسش‌ها را مطرح کرد که آیا ترویج کشاورزی، تغییرات اخلاقی در حوزه محیط زیست را درک کرده است؟ آیا در صورت درک این تغییرات، وظیفه

16. Diebel PL (2008). Ethics and agriculture: A teaching perspective. *Journal of Agricultural and Resource Economics* 33 (3): 303-310.
17. Pooley JA, O'Connor M (2000). Environmental education and attitudes: Emotions and beliefs are what is needed. *Environment and Behavior* 32 (5): 711-723.
۱۸. کریمی یوسف. نگرش و تغییر نگرش. موسسه نشر و ویرایش، ۱۳۷۹.
19. Schultz PW, Gouveia VV, Cameron LD, Tankha G, Schmuck P, Franek M (2005). Values and their relationship to environmental concern and conservation behavior. *Journal of Cross-Cultural Psychology* 36 (4): 457-475.
۲۰. کورمن آبراهام‌ک. روانشناسی صنعتی و سازمانی. ترجمه: حسین شکرکن. انتشارات رشد، ۱۳۷۰.
۲۱. گراول آی‌اس، تامبر آراس. مقدمه‌ای بر آموزش ترویج. ترجمه: سیروس سلمان‌زاده. مرکز انتشارات و چاپ دانشگاه شهید چمران، ۱۳۶۸.
22. Thapa B (1999). Environmentalism: The relation of environmental attitudes and environmentally responsible behaviors among undergraduate students. *Bulletin of Science, Technology & Society* 19 (5): 426-438.
23. Kaiser FG (2006). A moral extension of the theory of planned behavior: Norms and anticipated feelings of regret in conservationism. *Personality and Individual Differences* 41: 71-81.
۲۴. عابدی سروستانی احمد. تبیین نظریه اخلاق زیست‌محیطی دانشجویان و استادان دانشگاه شیراز با نظریه رویه‌ها. رساله چاپ نشده دکتری. بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۷.
25. Zimdahl RL (2005). Extending ethics. *Journal of Extension*, 43(5). Available at: <http://www.joe.org/joe/2005october/comm1.shtml>, Accessed: 27 Feb. 2009.
26. Zimdahl RL (2000). Teaching agricultural ethics. *Journal of Agricultural*
۶. پالمر جوی‌ای. آموزش محیط زیست در قرن بیست و یکم. ترجمه: علی محمد خورشید دوست. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۲.
7. Hansen TB (2005). Teaching Ethics to Science and Engineering Students. Center for the Philosophy of Nature and Science Studies at the University of Copenhagen, Copenhagen.
8. Kroma MM (2003). Reshaping extension education curricula for 21st century agricultural development in sub-Saharan Africa. In: Proceedings of the 19th Annual Conference of AIAEE. Raleigh, North Carolina. pp: 353-365.
9. Simon-Brown V (2004). Intelligent consumption: Addressing consumer responsibilities for natural resources and beyond. *Journal of Extension* 42(5). Available at: <http://www.joe.org/joe/2004august/a1.shtml>. Accessed: 17 Sep. 2009.
۱۰. شهبازی اسماعیل. توسعه و ترویج روستایی. انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
11. Ellefson PV, Hibbard CM (2002). Public Education and Extension (Indicator 53). Available at: <http://www.fs.fed.us>, Accessed: 18 Feb. 2009.
12. Abedi-Sarvestani A, Shahvali M (2008). Ecology and ethics: Some relationships for nature conservation. *Journal of Applied Sciences* 8(4): 715-718.
13. Burkhardt J, Comstock G, Hartel PG, Thompson PB, Chrispeels MJ, Mouscoplat CC, Streiffer R (2005). Agricultural Ethics. Issue paper No. 29, Council for Agricultural Science and Technology.
۱۴. مرکز آمار ایران. سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵. قابل دستیابی در: <http://www.sci.org.ir>, دسترسی در تاریخ: ۱۲ مهر ۱۳۸۸.
15. Foster B (2000). Ethics and agricultural education: Determining needs. *Journal of Career and Technical Education* 16 (2): 16-26.

247.

and Environmental Ethics 13: 229-